

- بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید..... ۱۴۱
- بابی است در بیان آنچه که وقت بالا آمدن آفتاب می‌گوید..... ۱۴۳
- بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید..... ۱۴۳
- بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید..... ۱۴۴
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید، موقعی که اذان مغرب را می‌شنود..... ۱۴۶
- بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید..... ۱۴۶
- بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز وتر می‌گوید..... ۱۴۸
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید..... ۱۵۰
- بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال..... ۱۶۹
- بابی است در بیان آنچه که می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد..... ۱۶۹
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت..... ۱۷۳
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد..... ۱۷۵
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد..... ۱۷۶
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود..... ۱۷۷
- بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب..... ۱۷۸

اگر چه مثل کف دریا باشد». و باید دانست که دین و حق الناس از آن مستثنی است. ترجمه: آمرزش می‌خواهم از خدایی که نیست معبودی به حق مگر او که زنده‌ی همیشگی است و قیوم و ایستاده به تدبیر کاینات است و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او. و مستحب است بسیار دعا کردن در روز جمعه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب به امید اینکه دعایش در ساعت اجابت دعا واقع شود. و وقت اجابت دعا در قول معتمد، میان نشستن امام میان دو خطبه است تا اینکه سلام نماز جمعه را بدهد. و اقوال بسیاری درباره‌ی آن هست و امام علامه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، شرح بخاری چهل قول در این خصوص آورده است. که قول معتمد این جا آوردیم و قول دومی نزدیک به صواب است و آن قبل از غروب آفتاب روز جمعه است.

(باب ما یقول إذا طلعت الشمس)

بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَالَ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَلَّلَنَا الْيَوْمَ عَافِيَتَهُ وَجَاءَ بِالشَّمْسِ مِنْ مَطْلَعِهَا، اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ أَشْهَدُ لَكَ بِمَا شَهِدْتَ بِهِ لِنَفْسِكَ وَشَهِدْتَ بِهِ مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجَمِيعُ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، أَكْتُبُ شَهَادَتِي بَعْدَ شَهَادَةِ مَلَائِكَتِكَ وَأُولَى الْعِلْمِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ السَّلَامُ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا دَعْوَتَنَا وَ أَنْ تُعْطِينَا رَغْبَتَنَا وَ أَنْ تُغْنِيَنَا عَمَّنْ أَعْنَيْتَهُ عَنَّا مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي).

رسول الله ﷺ موقعی که آفتاب طلوع می کرد می فرمود: «همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز ما را به عافیتش پوشید و آفتاب را از محل بیرون آمدنش آورد (یعنی از جهت مغرب که علامت قیامت است آفتاب را بیرون نیاورد) خدایا من در این بامداد گواهی می دهم برایت به آن گواهی که برای خودت گواهی دادی و فرشتگانت و بردارندگان عرش عظیمت و همه‌ی مخلوقات به آن گواهی دادند: که تو خدای یکتایی، نیست معبودی به حق مگر تو که بر پا دارنده‌ی عدل هستی، نیست معبودی به حق مگر تو که پر عزت و پر حکمت هستی. خدایا بنویس گواهی‌ام را بعد از گواهی فرشتگانت و دانشمندان. خدایا تو سلام هستی و سلامتی از هر عیب و نقص از توست. و سلامتی همه به سوی تو باز می گردد. از تو می خواهم ای صاحب شکوه و بزرگواری که دعای مان را به اجابت برسانی و آنچه از تو می خواهیم به ما عطا فرمایی. و از هر کسی که از ما بی نیاز است ما را از او بی نیاز گردانی تا هر کسی از خلق تو که از ما بی نیاز باشد ما هم از او بی نیاز باشیم. خدایا دین مرا که وسیله‌ی نگهداری‌ام از آتش است از هر چه مایه‌ی خشم تو می شود نگهدار و دنیای مرا که زندگی‌ام در آن است به صلاح آور. و آخرتم را که در آن بازگشتم به سوی توست شایسته گردان.»

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه - مَوْقُوفًا عَلَيْهِ - أَنَّهُ جَعَلَ مَنْ يَرْقُبُ لَهُ طُلُوعَ الشَّمْسِ فَلَمَّا أَخْبَرَهُ بِطُلُوعِهَا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لَنَا هَذَا الْيَوْمَ وَأَقَالَنَا فِيهِ عَثَرَاتِنَا. و در کتاب ابن السنی روایت داریم از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از گفته خودش که او به کسی می گفت تا بیرون آمدن آفتاب را منتظر شود و هر وقت طلوع نمود به او خبر بدهد. وقتی که او را از طلوع آفتاب خبر داد گفت: همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز را در اختیار ما نهاد و امروز از لغزش‌های ما درگذشت.

(باب ما يقول إذا استقلت الشمس)

بابی است در بیان آنچه که وقت بالا آمدن آفتاب می‌گوید.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَّسَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَا تَسْتَقِلُّ الشَّمْسُ فَيَبْقَى شَيْءٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا سَبَّحَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا مَا كَانَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَاعْتَاءِ بَنِي آدَمَ) فَسَأَلْتُ عَنْ أَعْتَاءِ بَنِي آدَمَ فَقَالَ: (شِرَارُ الْخَلْقِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «موقعی که آفتاب بالا می‌آید همه‌ی مخلوقات خدا به تسبیح و تنزیه خدای عز و جل می‌پردازند، مگر شیطان و پست‌فطرتان از آدمی‌زادگان که تسبیح خدای متعال نمی‌گویند». درباره‌ی پست‌فطرتان بنی‌آدم پرسیدم، فرمود: «بدان مردم».

(باب ما يقول بعد زوال الشمس إلى العصر)

بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید.

پیش از این یاد شد که چه بگوید وقتی که لباس می‌پوشد و وقتی که داخل به مستراح می‌شود و وقتی که از آن بیرون می‌آید و وقتی که وضو می‌گیرد و وقتی که به مسجد می‌رود و وقتی که به در مسجد می‌رسد و وقتی که داخل مسجد است و وقتی که اذان می‌شنود و وقتی که اقامه‌ی نماز می‌شنود و وقتی که برمی‌خیزد برای نماز. و آنچه در نماز می‌گوید از اول نماز تا آخر آن. و آنچه بعد از نماز می‌گوید. این‌ها همه در باب‌های خود یاد شد و همه‌ی آن‌ها در نمازها مشترکند. و مستحب است بسیار یاد کردن اذکار و عبادات دیگر بعد از زوال آفتاب، به دلیل آنچه روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن السائب رضي الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از زوال

آفتاب قبل از نماز ظهر چهار رکعت سنت زوال می‌خواند و می‌فرمود: اکنون ساعتی است که درهای آسمان گشوده می‌شود و دوست می‌دارم که در این ساعت عمل صالحی برایم به آسمان برود. ترمذی گفت: حدیث حسن است. و مستحب است بسیاری یاد خدا بعد از نماز فرض ظهر و اذکار و سُنَن و تعقیبات آن، نظر به عموم فرموده‌ی پروردگار متعال:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِكْرَارِ﴾؛ «و تسبیح‌گوی همراه با ستایش پروردگارت قبل از ظهر و بعد از ظهر». اهل لغت گفته‌اند: عَشِيٌّ: از زوال آفتاب تا غروب آفتاب است. و امام ابو منصور ازهری فرموده است: عَشِيٌّ نزد عرب میان زوال آفتاب تا غروب آفتاب است.

(باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس)

بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید.

پیش از این یاد شد آنچه گفته می‌شود بعد از فرض ظهر و بعد از فرض عصر. همچنین موکداً مستحب است بسیاری یاد خدا در وقت عصر، برای اینکه نماز فرض عصر به گفته‌ی گروهی از علمای سلف و خلف همان «الصلاة الوسطی» است. و همچنین مستحب است زیاد اهمیت دادن به اذکار صبح، برای اینکه صحیح‌ترین گفتار درباره‌ی «الصلاة الوسطی» در مورد نماز صبح و عصر است. و مستحب است بسیار یاد خدا کردن بعد از عصر و به ویژه در آخر روز. خدای متعال فرمود:

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾؛ «تسبیح همراه با ستایش پروردگارت بگوی قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب».

و قال الله تعالى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِكْرَارِ﴾؛ «و تسبیح پروردگارت

همراه با ستایش او بگو از صبح تا قبل از ظهر و از بعد از ظهر تا غروب آفتاب.

و قال الله تعالى: ﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾؛ «و به یاد بیاور و همیشه یاد کن در دل خودت از روی خشوع و حضور قلب و از روی ترس از عظمت خدا جلّ و جلاله بدون آواز بلند در بامدادان و پسین».

و قال الله تعالى: ﴿يُسَبِّحُ لَهُ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾؛ «تسبیح‌گوی ذات پاک پروردگارند در وقت صبح و پسین مردانی که ایشان را مشغول نمی‌سازد از یاد خدا نه تجارت و نه خرید و فروش». پیش از این یاد شد که آصال جمع اصیل است و اصیل میان عصر و مغرب را می‌گویند.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَنَسٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: (لَأَنْ أَجْلِسَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغْرِبَ الشَّمْسُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ ثَمَانِيَةَ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بنشینم با مردانی که یاد خدای عزّو جل می‌کنند از بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب، محبوب‌تر است نزد من از آزاد کردن هشت برده که از فرزندان اسماعیل علیه‌السلام باشند». و فرمود از اولاد اسماعیل برای اینکه از ایشان باشد قیمتش بیشتر و گرامی‌تر و کمیاب‌تر است. و کلمه‌ی قوم به معنی مردان است:

﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ﴾؛ «نباید ریشخند کنند مردانی از مردان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر از ریشخندکنندگان باشند و نباید ریشخند کنند زنانی از زنان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر باشند از ریشخندکنندگان». که در این جا قوم در مقابل نساء آورده است.

(باب ما يقول إذا سمع أذان المغرب)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید موقعی که اذان مغرب را می‌شنود.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ: (اللَّهُمَّ هَذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَإِدْبَارُ نَهَارِكَ وَأَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَأَغْفِرْ لِي).

از ام سلمه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت داریم که گفت: رسول الله ﷺ به من آموخت که موقعی که اذان مغرب شنیدم بگویم: «خدایا اکنون موقع رو آوردن شب و پشت دادن روز و شنیدن آواز کسانی است که اذان می‌گویند و مردم را به سوی نماز و عبادت دعوت می‌کنند، مرا ببخشای».

(باب ما يقول بعد الصلاة المغرب)

بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید.

قبلاً یاد کردیم که بعد از هر نماز فرض اذکاری که یاد شد بگویند. و مستحب است که بعد از فراغت از نماز فرض مغرب و خواندن دو رکعت سنت بعدیهی مغرب افزون بر آنچه گذشت، بگوید آنچه از رسول الله ﷺ وارد شده است.

يَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ سُنَّةَ الْمَغْرِبِ مَا رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَنْصَرَفَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ فِيمَا يَدْعُو: (يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ).

رسول الله ﷺ بعد از اینکه از نماز فرض مغرب فارغ می‌شد به خانه‌ی ام‌سلمه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می‌آید و در ضمن دعایش می‌فرمود: (يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ)؛ «ای زیر و بالا کننده‌ی دل‌ها، پایدار بدار دل‌های ما را بر دین خودت که دین اسلام است». تغیر و از حالی به حالی شدن دل‌ها معلوم است. از این رو مسلمان از خدا می‌خواهد دلش را از انحراف و تغیر حفظ فرماید و بر دین اسلام پایدار بدارد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عِمَارَةَ بْنِ شَبِيبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مَرَّاتٍ عَلَى أَثَرِ الْمَغْرِبِ، بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مَسْلَحَةً يَتَكَفَّلُونَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُصْبِحَ وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ مُوجِبَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ مُؤَبِّقَاتٍ وَكَانَتْ لَهُ بِعَدْلِ عَشْرِ رِقَابٍ مُؤْمِنَاتٍ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که بعد از نماز مغرب ده بار لا اله الا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ را تا آخر بگوید، یعنی نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا که هیچ شریکی برای او نیست. پادشاهی و فرمانروایی و ستایش‌ها همه برای اوست. او زنده می‌گرداند و مرگ می‌دهد، زندگی و مرگ همه در دست اوست. و او بر همه چیز تواناست خدای متعال نگهبانانی برای او می‌فرستد تا او را تا صبح از شر شیطان نگه‌دارند. و خدا می‌نویسد برای او ده حسنه‌ی ثابت کننده بهشت برای او. و از بین می‌برد ده گناه هلاک کننده از او. و همین ده بار گفتن لا اله الا الله تا آخر برابر است با ثواب ده برده که آزاد نماید».

ترمذی فرمود: که عماره بن شبيب از رسول الله ﷺ شنیده است. امام نووی فرمود: نسائی این حدیث را از دو طریق روایت نموده: یک روایت ترمذی از

عمارہ بن شبيب از رسول اللہ ﷺ و روایت دیگری از عمارہ از مردی از انصار مدینہ. ابوالقاسم ابن عساکر فرمود: روایت دومی درست است و حدیث ثابت است. نووی فرمود: مَسْلَحَةٌ به معنی حَرَس و نگهبانان است.

(باب ما یقرؤه فی صلاة الوتر و ما یقوله بعدها)

بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز وتر می‌گوید.

سنت است برای کسی که نماز وتر را سه رکعت می‌خواند اینکہ در رکعت اولی بعد از فاتحہ، سورہی سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلٰی بخواند و در رکعت دومی بعد از فاتحہ، سورہی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند و در رکعت سومی سورہهای قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند. اگر در رکعت اولی سورہی سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلٰی را فراموش کرد، در رکعت دومی سورہی سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلٰی و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را با ہم بخواند. و اگر در رکعت دومی سورہی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را فراموش کرد در رکعت سومی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ را با ہم بخواند.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ النَّسَائِي وَ غَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي بَنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَلَّمَ مِنَ الْوُتْرِ قَالَ: (سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ). وَ فِي رَوَايَةِ النَّسَائِي وَ ابْنِ السُّنِّي: (سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ) ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

رسول اللہ ﷺ موقعی کہ از نماز وتر سلام می‌داد سه بار می‌فرمود: «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ»؛ یعنی پاک و منزّه است خدایی کہ فرمانروای همه است، کسی نمی‌تواند از فرمان او سرپیچی نماید. او قدّوس است. بسیار مقدّس و مورد تعظیم است. همه‌ی کاینات به قدس و پاکی و عظمتش اعتراف دارند.

وَرَوَيْنَاهُ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَثَرِهِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ روایت داریم که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخر نماز وترش می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ تا آخر. یعنی خدایا پناه می برم به رضای تو از خشم گرفتنت و پناه می برم به عافیت دادنت از عقوبت دادنت و پناه می برم از عذاب تو به خودت. نمی توانم ثنا و احسان و خوبی تو را بشمارم تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت گفتی». یعنی در همه حال پناه به تو می برم تا رضایت خودت را شامل حالم بگردانی و از خشم و غضبت مرا دور بداری و پناه می برم به عافیت دادنت و دور نگه داشتنت تا مرا از عقوبتت و کیفر دادنت معاف و دور نگه داری. و به خودت پناه می برم از عذابت، برای اینکه کسی نیست که ما را از عذابت نگه بدارد بجز خودت. چگونه ما بندگان می توانیم که ثنای شایسته‌ی عظمتت را برشماریم؟ ما بندگان ناتوان کجا و شناخت عظمت و ثنای شایسته‌ی عظمتت کجا! شایسته‌ی بزرگی‌ات ثنایی است که خودت برای خودت فرمودی. یعنی شایسته‌ی بندگان پناه آوردن به خدا و اظهار عجز از ثنای شایسته‌ی خدا و خواهش قبول شکر و ثناست. به قول سعدی علیه الرحمة:

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آنکه شکر یکی از هزار کرد
بخشنده‌ی و سابقه لطف و رحمتش ما را بحسن عاقبت امیدوار کرد

(باب ما يقول إذا أراد النوم واضطجع على فراشه)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید.

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ...﴾ آل عمران: ۱۹۰-۱۹۴

حقاً که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی است از عظمت قدرت الله جلّ جلاله برای صاحبان خردها. خردمندان می‌دانند که چه قدرتی است که شب و روز را به وجود می‌آورد. اگر تمام مردم روی زمین جمع شوند تا اکنون که بامداد است به وقت ظهر تبدیل کنند نمی‌توانند که معلوم، بلکه یک دقیقه نمی‌توانند در گردش آفتاب تقدیم و تأخیر به وجود آورند و این خردمندان که آن را می‌دانند. آن مردمی که همیشه خدا را یاد می‌کنند، همیشه زبانشان تر است از یاد خدا در حالی که ایستاده‌اند و در حالی که نشسته‌اند و در حالی که به پهلو افتاده‌اند و همیشه یاد خدا آرام دل‌هایشان است و یاد خدا اطمینان خاطره‌هایشان و یاد خدا بقای حیاتشان است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ مِنْ رَوَايَةِ حُذَيْفَةَ وَ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: (بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَ أَمُوتُ).

رسول الله ﷺ موقعی که بر بستر خواب پهلو می‌نهاد می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و به نام تو می‌میرم». یعنی حیات من از برکت یاد نام توست و وفات من بر یاد نام توست.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ مِنْ رَوَايَةِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا. وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَهُ وَلِفاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: (إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَى فِرَاشِكُمَا أَوْ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا فَكَبِّرَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَ أَحْمَدَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ). وَفِي رَوَايَةٍ: (التَّسْبِيحُ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ) وَفِي رَوَايَةٍ: (التَّكْبِيرُ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ). قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَمَا تَرَكَتُهُ مُنْذُ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قِيلَ لَهُ: وَ لَا لَيْلَةَ صَفِّينَ؟ قَالَ: وَ لَا لَيْلَةَ صِفِّينَ.

رسول الله ﷺ به علی و فاطمة الزهراء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فرمود: «موقعی که به بستر خوابتان آمدید یا موقعی که بر بستر خواب بر پهلو خوابیدید، سی و سه بار بگوئید: الله اکبر و سی و سه بار بگوئید: سبحان الله و سی و سه بار بگوئید: الحمد لله». و در روایتی سی و چهار بگوئید: «الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله». و در روایتی: «سی و سه بار الله اکبر بگوئید و سی و چهار بار سبحان الله بگوئید و سی و سه بار الحمد لله بگوئید» تا صدبار تکمیل شود. و خوب است که بعضی اوقات الله اکبر سی و چهار بار بگوئید و باقی سی و سه بار و بعضی اوقات سبحان الله سی و چهار بار بگوئید و باقی سی و سه بار. علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: از روزی که از رسول الله ﷺ شنیدم که قبل از خواب این کلمات را بگوئید هیچ وقت نه در حضر و نه در سفر آن را ترک نکردم. به ایشان گفته شد که در شب صفین هم آن را ترک نمودی؟ فرمود: در شب صفین هم آن را ترک نمودم. صفین نام محلی است در شام که در آن جا جنگ سختی میان علی و معاویه پیش آمد و اگر نه چاره‌جویی اطرافیان معاویه بود، شکست‌شان حتمی بود.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم:
 (إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلْفَهُ عَلَيْهِ ثُمَّ
 يَقُولُ: بِأَسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أُمِسَّكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَإِنْ أُرْسَلَتْهَا
 فَأَحْفَظَهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ) وَفِي رِوَايَةٍ: (يَنْفُضُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «هر وقتی یکی از شما به بستر خوابش آمد آن را تکان
 بدهد به کنار لنگ پایش، برای اینکه نمی‌داند در حال غیبتش از فراش چه چیز بر
 آن آمده است - در آن ایام موقع خواب چراغ نمی‌گذاشته‌اند و اگر عقربی یا
 حشره‌ای بر فراش می‌آمده نمی‌دانسته‌اند. به همین علت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم این دستور
 را فرمود تا دچار گزیدن عقرب و یا غیره نشوند - پس از آن می‌گوید: به نام تو ای
 پروردگارم پهلویم را بر بستر نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم. اگر
 در خواب جانم را گرفتی آن را مورد رحمت قرار بده. و اگر جانم را از مردن نجات
 دادی، آن را نگه‌دار آن چنانکه جان بندگان صالح و شایسته‌کارت را نگه می‌داری». و
 در روایتی دیگر: «فراش خواب را سه بار تکان بدهد».

وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم كَانَ إِذَا أَخَذَ
 مَضْجَعَهُ نَفَثَ فِي يَدَيْهِ وَقَرَأَ الْمَعْوذَاتِ وَمَسَحَ بِهَا جَسَدَهُ. وَفِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم
 كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ
 الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ثُمَّ مَسَحَ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَ
 وَجْهِهِ وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قَالَ أَهْلُ اللُّغَةِ: النَّفْثُ: نَفْخُ لَطِيفٍ بِلا
 رِيْقٍ.

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم هر شب موقعی که به بستر خواب می‌آمد دو کف دست خود را با
 هم جمع می‌کرد و در کف دو دستش با نفس می‌دمید بدون آنکه آب دهن با آن

همراه باشد، سپس سوره‌ی قل هو الله احد و سوره‌ی قل اعوذ برب الفلق و سوره‌ی قل اعوذ برب الناس را در آن دو می‌خواند و سپس همین دو کف دست را به سر و صورت و جلو بدنش مثل سینه و شکم و به هر جا که دستش می‌رسید می‌کشید و این کار را سه بار انجام می‌داد. زبان شناسان گفته‌اند: النفط، یعنی دمیدن به آرامی و بدون آب دهان.

و رَوَيْنَاهُ فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ الْبَدْرِيِّ، عُقْبَةُ بْنُ عَمْرِو رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (الْآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَ بِهِمَا فِي لَيْلَتِهِ كَفَّاهُ). اخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي مَعْنَى كَفَّاهُ، فَقِيلَ مِنْ آلِفَاتٍ فِي لَيْلَتِهِ وَقِيلَ كَفَّاهُ مِنْ قِيَامِ لَيْلَتِهِ. قُلْتُ: وَيَجُوزُ أَنْ يُرَادَ الْأَمْرَانُ.

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که دو آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ را در شبی بخواند او را برای دفع آفات و گزاردن نماز تهجد کفایت کند.» رسول الله ﷺ ایمان آورد به آنچه نازل شده به سوی او از جانب پروردگارش و مؤمنان هم ایمان آوردند به آنچه بر رسول الله ﷺ نازل شده است. هر کدام از رسول الله ﷺ و مؤمنان ایمان آورد به خدا و به فرشتگان خدا و به کتاب‌های خدا و به پیغمبران خدا و گفتند: ما جدایی نمی‌اندازیم میان پیغمبران خدا (که بگوییم این پیغمبر را قبول داریم و آن پیغمبر را قبول نداریم، چنانکه یهودیان گفتند: عیسی را قبول نداریم موسی را قبول

داریم و چنانکه نصاری گفتند: عیسی را قبول داریم، محمد ﷺ را قبول نداریم. امت محمد ﷺ همه‌ی پیغمبران را قبول دارند) و هر کدام از پیغمبران و مؤمنان گفتند: شنیدیم فرمان خدا و اطاعت نمودیم او را. پیامر ما را ای پروردگار ما و بازگشت ما به سوی توست. خدای عزوجل تکلیف نمی‌فرماید کسی را مگر به قدر طاقت و توانایش. برای هر کس می‌باشد ثواب نیکوکاریش و عقاب بدکردارش. پروردگار ما، ما را مؤاخذه مفرما اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم. ای پروردگار ما، بار سنگینی که حمل آن نتوانیم، بر دوش ما مَنه. چنانکه بر یهود قرار دادی تا اگر جایی از لباسش پلید شود آن را بچینند. ای پروردگار ما، آنچه توانایش نداریم ما را به آن مکلف منما و عفو فرما گناهان ما را و پیامر ما را و ما را به رحمتت شاد کن که تو دوست و یاری دهنده مایی و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.

وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ وَقُلْ: اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ، فَإِنْ مِتَّ، مِتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تُقُولُ) هَذَا لَفْظُ إِحْدَى رَوَايَاتِ الْبُخَارِيِّ. وَبَاقِي رَوَايَاتِهِ وَرَوَايَاتِ مُسْلِمٍ مُقَارِبَةٌ لَهَا.

رسول الله ﷺ به براء بن عازب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فرمود: «وقتی که خواستی به بستر خواب بروی وضو بگیر مانند وضویی که برای نماز می‌گیری، پس از آن بر پهلوئی راست بخواب و بگو: خدایا تسلیم نمودم خودم را به تو. و واگذار نمودم کارهایم به تو و پناه دادم کرم را به تو. از روی شوق و رغبت به سوی تو و از جهت ترس از تو. یقین دارم که نه پناهگاهی هست مگر نزد تو و نه گریزگاهی هست مگر

به سوی تو. پناه من خودت هستی و نجات من در دست توست. ایمان آوردم به کتابی که نازل فرمودی و به پیغمبرت که او را فرستادی - ایمان به قرآن و به خاتم الانبیاء ﷺ استوار است - اگر آن شب مردی بر دین اسلام مرده‌ای و این کلمات را آخرین گفتارت قرار بده». امام نووی رحمته الله فرمود: این یکی از روایت‌های بخاری است و باقی روایات بخاری و مسلم به این روایت نزدیکند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: وَكَلَّنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِحِفْظِ زَكَاةِ رَمَضَانَ فَأَتَانِي آتٍ فَجَعَلَ يَحْتُو مِنْ الطَّعَامِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ. وَقَالَ فِي آخِرِهِ: إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَأَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، لَنْ يَزَالَ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى حَافِظٌ وَلاَ يَقْرُبُكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: (صَدَقَكَ وَهُوَ كَذُوبٌ ذَاكَ شَيْطَانٌ). أَخْرَجَهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فَقَالَ: وَقَالَ عُمَانُ بْنُ أَهْثِمٍ: حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَهَذَا مُتَّصِلٌ فَإِنَّ عُمَانَ بْنَ أَهْثِمٍ أَحَدُ شُيُوخِ الْبُخَارِيِّ الَّذِينَ رَوَى عَنْهُمْ فِي صَحِيحِهِ، وَأَمَّا قَوْلُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيدِيِّ فِي الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّحِيحَيْنِ: أَنَّ الْبُخَارِيَّ أَخْرَجَهُ تَعْلِيْقًا، فَغَيْرُ مَقْبُولٍ؛ فَإِنَّ الْمَذْهَبَ الصَّحِيحَ الْمُخْتَارَ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَالَّذِي عَلَيْهِ الْمُحَقِّقُونَ أَنَّ قَوْلَ الْبُخَارِيِّ وَغَيْرِهِ: «وَقَالَ فُلَانٌ» مُحْمُولٌ عَلَى سَمَاعِهِ مِنْهُ وَاتِّصَالِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَدْلُوسًا وَكَانَ قَدْ لَقِيَهِ، وَهَذَا مِنْ ذَلِكَ. وَإِنَّمَا الْمَعْلُوقُ مَا أَسْقَطَ الْبُخَارِيُّ مِنْهُ شَيْخَهُ أَوْ أَكْثَرَ بَأَن يَقُولُ فِي مِثْلِ هَذَا الْحَدِيثِ: وَقَالَ عَوْفٌ، أَوْ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ سِيرِينَ، أَوْ قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

در صحیح بخاری به روایت از ابوهریره رضي الله عنه می‌آورد که ابوهریره گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا وکیل نمود به حفظ زکات فطر، شبی دیدم مردی آمده و با دو کف دست خود از زکات فطر می‌گیرد. به او گفتم: تو را به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌برم. گفت: امشب مرا مبر که فقیرم و بیشتر نمی‌آیم. شب بعد باز آمد و خواستم مانعش بشوم گفت: مردی فقیر و عیال بار هستم او را رها کردم.

شب سوم که آمد و خواستم مانعش شوم، گفتم: مرا رها کن که من تو را مطلبی می‌آموزم. گفتم: شب موقع خواب که به بستر خواب می‌روی آیه‌الکرسی بخوان که از اول شب تا آخر شب از طرف خدا نگهداری می‌یابی که تو را نگهداری می‌کند تا صبح و آن شب شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی‌شود. وقتی که این واقعه را خدمت رسول الله ﷺ عرض نمودم، فرمود: «این کسی که سه شب است که می‌آید تا از زکات فطر بگیرد این شیطان است و او دروغگو است، اما آنچه راجع به آیه‌الکرسی به تو گفته راست گفته است».

امام نووی فرمود که این حدیث صحیح بخاری حدیثی است مرفوع و متصل. برای اینکه امام بخاری همه‌ی رجال سند از جمله شیخ عثمان بن الهیثم و عوف و ابن سیرین و ابو هریره همه را ذکر نموده است و چنین حدیث صحیح و متصل و مرفوع را نمی‌توان از معلقات برشمرد. و معلق حدیثی است که امام بخاری یکی از شیوخش یا بیشتر از اسناد حدیث حذف می‌کرد، مثلاً می‌گفت: قال عوف، که ابن سیرین و ابوهریره را نمی‌آورد یا اینکه می‌گفت: قال محمد بن سیرین، که عوف را از اسناد می‌انداخت یا می‌فرمود: قال ابوهریره، که عوف و ابن سیرین را نمی‌آورد والله اعلم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ حَفْصَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ: (اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ). ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مِنْ رِوَايَةِ حَزِيفَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَ: حَدِيثٌ صَحِيحٌ حَسَنٌ. وَرَوَاهُ أَيْضاً فِي رِوَايَةِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ وَلَمْ يَذْكُرْ فِيهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

رسول الله ﷺ هر وقت قصد خوابیدن می‌نمود دست راستش را زیر رخسارش می‌نهاد و می‌فرمود: «خدایا مرا نگهدار از عذابت در روزی که بندگان را زنده

می‌فرمایی، که مقصود روز قیامت است و قصد تعلیم امت است که روز قیامت را از یاد نبرند. در سُنَنِ ابی داود آمده که رسول الله ﷺ (اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ) را سه بار می‌فرمود. و در روایت ترمذی از حذیفه و براء بن عازب کلمه‌ی سه بار نیاورده‌اند. بنابراین سه بار گفتن جانب احتیاط دارد و یک بار گفتن کافی است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَ سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ النَّسَائِيِّ وَ ابْنِ مَاجَهَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ: (اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَ رَبَّ الْأَرْضِ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَ النَّوَى مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ اغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ). وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: (اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ اغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ).

رسول الله ﷺ موقعی که به بستر خواب می‌آمد می‌فرمود: «خدایا ای پروردگار آسمان‌ها و ای پروردگار زمین و ای صاحب عرش عظیم. ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز. (همه چیز پرورده‌ی نعمت‌های اوست) ای شکافنده‌ی دانه‌ها و هسته‌ها برای سبز شدن آن‌ها. ای فرود آورنده‌ی تورات بر موسی و انجیل بر عیسی و قرآن بر محمد مصطفی ﷺ پناه می‌برم به تو از شرّ هر صاحب شرّی که پیشانی او در دست توست (کاینات همه مقهور فرمان اوست و همه پیشانی خود را تسلیم فرمان او نموده‌اند) ای خدا تو اوّل هستی، همیشه بوده‌ای و هستی و خواهی بود. پیش از تو هیچ نبوده است، هر چه هست همه به ید قدرت تو به وجود آمده‌اند. و تو هستی آخر وقتی که همه می‌میرند و تو حتّی لایموت باقی هستی و فنا به درگاهت راه ندارد. تو ظاهر هستی و در همه چیز آشکار هستی، برای اینکه هستی همه چیز از توست،

هیچ‌گاه بالا دست تو کسی نخواهد بود. و تو هستی پنهان، بنابراین غیر تو هیچ نیست. وجود همه‌ی کاینات از توست. ظهور همه از توست خفای همه به فرمان توست، نه پیش از تو کسی بوده و نه بعد از تو کسی می‌ماند. همه می‌میرند و میراث بر همه خودت هستی. همه مقهور فرمان تو هستند و نیست بالا دست تو چیزی. از همه چیز ظاهرتر و آشکارتری، برای اینکه هر چه هست معرف هستی توست. از همه نهان‌تری، زیرا که دید کسی به تو نخواهد رسید. ای آن که بود و نبود همه در دست توست و ای آن که رسیدن به فریاد همه وصف توست. بار سنگین بدهی از دوش ما بردار. و ذلت حاجت به مثل خودمان از گردن ما بستان. تا آنچه داریم از تو بدانیم و آنچه بخواهیم از تو بخواهیم و از عنایت تاج عبودیت تنها برای خودت نصیب ما باشد. و در روایت ابی داود: «اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ اغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ» به یاء مفرد است و لیکن روایت جمع از صحاح خمسة است و آن روایت بسی قوی‌تر است و می‌شود گفت: گاهی این دعا را به لفظ مفرد، چنانکه روایت ابوداود است و گاهی به صیغه‌ی جمع، چنانکه روایت جماعت است، دعا نماید.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ النَّسَائِي عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَ الْمَأْتَمَ، اللَّهُمَّ لَا يَهْزِمُ جُنْدُكَ وَ لَا يَخْلِفُ وَعْدُكَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ).

رسول الله ﷺ موقعی که پهلوی می‌نهاد برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگواری و کلمات کلامت که همه دارای کمال و تمام هستند از شر هر چه تو پیشانی‌اش را به ید قدرت در دست گرفته‌ای. پناه می‌برم از همه‌ی آن‌ها به تو، از این رو که به یقین پیشانی همه در ید قدرت توست و همه مقهور فرمان تو

هستند. خدایا تو هستی که رفع بدهکاری و گنه کاری می فرمایی. غنا می دهی و فقر را برمی داری و طاعت می دهی و عصیان را برمی داری. خدایا هیچ گاه لشکریانت شکست نمی خورند و هیچ گاه وعده ی تو خلاف نمی شود و هیچ گاه ثروت صاحب ثروت را به جای تو نفع نمی رساند. تسبیح و تنزیه تو می گویم که سبوح و قدوس صفت توست. و به ستایش تو مشغول می شویم که ستایش ها همه برای توست».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَ سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَ كَفَانَا وَ آوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَ لَا مُؤْوِيَّ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله ﷺ وقتی که به بستر خواب می رفت می فرمود: «حمد و ستایش برای خدای یکتایی است که خوراک به ما داد و سیراب کرد ما را و کفایت ما را از خوراک و آب و لباس فراهم فرمود و جایگاه به ما عطا نمود، چه بسیار کسانی که نه کفایت خوراک و آب و لباس دارند و نه جایگاه و منزلی که از آفتاب و باد و باران خود را در آن حفظ کنند».

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الْحَسَنِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي الْأَزْهَرِيِّ وَ يَقَالُ أَبُو زُهَيْرٍ الْأَنْمَارِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: (بِاسْمِ اللَّهِ وَ ضَعْتُ جَنْبِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ أَخْصِيءْ شَيْطَانِي وَ فُكَّ رَهَانِي وَ اجْعَلْنِي فِي النَّدَى الْأَعْلَى)

رسول الله ﷺ موقعی که آرامگاه خود را در شب فراهم می کرد، به بستر خواب می رفت تا در آن جا آرام گیرد، می فرمود: «به نام خدا پهلویم را بر زمین نهادم: خدایا بیامرز گناهانم را و خوار کن شیطانم را، از آن جا که بر هر کس شیطانی برای وسوسه ی او گماشته شده برای تعلیم امت فرمود: شیطان گماشته بر من را خوار کن

تا هیچ اذیتی نتواند انجام دهد و باز کن گروگان مرا، هر کسی در گرو کردار خود است، تا در گرو هیچ عملی نباشم و آزادانه به طاعتت بپردازم، و بگردان مرا در ملاً اعلیٰ. یعنی مرا در گروه فرشتگان قرار ده تا دور و بر من همه فرشتگان و دعوت کنندگان به سوی طاعت حق تعالی باشند».

امام ابوسلیمان خطابی فرمود: ندی: گروهی هستند که در یک مجلس جمع شده باشند. و نادی هم به همین معنی است و جمع آن اُنْدِیَه است. و مقصود رسول الله ﷺ از ندی اُغْلَى: المَلَأُ الْأُغْلَى یعنی گروه ملائکه است.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ نَوْفَلٍ الْأَشْجَعِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِقْرَأْ: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، ثُمَّ نَمْ عَلَى خَاتَمَتِهَا فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ). وَفِي مُسْنَدِ أَبِي يَعْلَى الْمُوَصِّلِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: (أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى كَلِمَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنَ الْإِشْرَاقِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، تَقْرَؤُونَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ عِنْدَ مَنَامِكُمْ). رسول الله ﷺ به نوفل أشجعی فرمود: «سورهی قُلْ یا ایها الکافرون را بخوان و در آخر آن به خواب برو، برای اینکه پایان این سوره براءت از شرک است». و در روایت ابن عباس فرمود: «شما را راهنمایی می‌نمایم بر کلمه‌ای که شما را از شرک آوردن به خدای عزوجل نجات می‌دهد برای این منظور موقع خواب سورهی قُلْ یا ایها الکافرون را بخوانید».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عِزْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ پیش از اینکه بخوابد سوره‌هایی که اوّل آن سَبَّحَ لِلَّهِ یا يُسَبِّحُ لِلَّهِ می‌باشد، مثل سوره‌های حشر و صف و تغابن و جمعه و اُعلی می‌خواند و الله اعلم.

وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ الزُّمَر. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ نمی خوابید تا اینکه سوره‌ی بنی اسرائیل و سوره‌ی زمر را می‌خواند.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَ آوَانِي وَ أَطْعَمَنِي وَ سَقَانِي، وَ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ، وَ الَّذِي أَعْطَانِي فَأَجْزَلَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَلِيكَهُ وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ).

رسول الله ﷺ موقعی که پهلو را بر بستر خواب می‌نهاد می‌فرمود: «حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که کفایت مرا فراهم فرمود و جایگاه به من عطا نمود و خوراک مرا رسانید و سیراب نمود، خدایی که منت گذاشت و زیاده بر حاجت ارزانی داشت خدایی که به من عطا فرمود و بسیار نمود، حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست در همه حال. خدایا، پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه، و معبود به حق همه چیز، پناه می‌برم به تو از دوزخ».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ ذُنُوبَهُ وَ إِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ النُّجُومِ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که موقع رفتنش به بستر خوابش سه بار بگوید: از خدا آمرزش می‌خواهم، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او، خدای همیشه

زنده و تدبیرکننده‌ی خلاق، و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او، خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگرچه باشد مثل کف دریا، و اگر باشد به شمارهی ستارگان، و اگرچه باشد به شمارهی شن عاج، و اگرچه باشد به شمارهی روزهای دنیا».

و رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ غَيْرِهِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَنْعَةٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، لُدِغْتُ اللَّيْلَةَ فَلَمْ أَنْمَ حَتَّى أَصْبَحْتُ قَالَ: (مَاذَا؟) قَالَ: عَقْرَب. قَالَ: (أَمَا إِنَّكَ لَوْ قُلْتَ حِينَ أُمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرْك شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى).

مردی از قبیله‌ی اسلم گفت: خدمت رسول الله ﷺ نشسته بودم که مردی از یاران رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا، دیشب گزیده شدم و از درد آن تا صبح خواب به چشمم نیامد. فرمود: «چه چیز تو را گزید؟» گفت: کژدم. فرمود: «آگاه باش که اگر در اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به کلمات خدا که تمام و کمال را دارند از شر آنچه را که خدا آفرید. اگر این را گفته بودی به خواست خدای متعال هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رسانید».

همچنین این حدیث را قبلاً در سُنَنِ ابوداود و غیره از روایت ابی هریره رضی الله عنه در باب آنچه گفته می‌شود در صبح و شام یاد کردیم.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنَنِ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَوْصَى رَجُلًا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ الْحَشْرِ وَ قَالَ: (إِنْ مِتَّ، مِتَّ شَهِيداً، أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ).

در کتاب ابن سنی از انس رضی الله عنه روایت نمودیم که پیامبر ﷺ مردی را سفارش کرد تا موقعی که برای خوابیدن پهلو بر بستر می‌نهد سوره‌ی حشر را بخواند و

فرمود: «با خواندن سوره‌ی حشر اگر در آن شب مردی به شهادت از دنیا رفته‌ای یا از اهل بهشت هستی».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ أَمَرَ بِبَلَالٍ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقُولَ: (اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَتَوَفَّاهَا، لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا، إِنْ أَحْيَيْتَهَا فَأَحْفِظْهَا وَإِنْ أَمَتَهَا فَاغْفِرْ لَهَا، اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ). قَالَ ابْنُ عُمَرَ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

در صحیح مسلم از ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا روایت نمودیم که پیامبر ﷺ بلال را امر کرد تا موقعی که به بستر خواب رفت بگوید: «خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را وفات می‌دهی، زندگی و مرگش برای توست، اگر تو او را زنده نمودی او را نگه‌دار و اگر او را مرگ دادی او را بیامرز. خدایا از تو عافیت می‌خواهم». ابن عمر گفت: این را از رسول الله ﷺ شنیدم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِمَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ حَدِيثَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الَّذِي قَدَّمَ نَاهُ فِي بَابٍ مَا يَقُولُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ فِي قِصَّةِ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهٖ، قُلُّهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا اضْطَجَعْتَ.

و روایت نمودیم در سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ تَرْمِذِيِّ وَ غَیْرِ این دو به اسناد صحیح حدیث ابی هُرَیْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را که پیش از این یاد کردیم در داستان ابی بکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: خدایا شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانا به آنچه در عالم غیب است و دیده نمی‌شود و آنچه در عالم شهادت و دیدنی است، پروردگار هر چیز و مالک آن، گواهی می‌دهم بر اینکه نیست معبودی بحق مگر تو. پناه می‌برم به تو از شر خودم و از شر شیطان و

دام او و شر شرک آوری و وسوسه‌ی او. که رسول الله ﷺ به او فرمود: که آن را وقتی به صبح داخل می‌شود و وقتی که به شب داخل می‌شود و وقتی که به پهلوی می‌افتد برای خوابیدن، بخوان.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنَنِ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ فَيَقْرَأُ سُورَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكًا لَا يَدْعُ شَيْئًا يَقْرِبُهُ يُؤْذِيهِ حَتَّى يَهْبُ مَتَى هَبَّ) إِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَمَعْنَى هَبَّ: انْتَبَهَ وَقَامَ.

رسول الله ﷺ فرمود: هر مسلمانی که موقعی که به بستر خواب می‌رود و سوره‌ای از کتاب خدای تعالی را می‌خواند خدای عز و جل فرشته‌ای بر او موکل می‌کند تا نگذارد چیزی به او نزدیک شود و او را بیازارد تا اینکه از خواب بیدار شود و از بستر خواب بلند شود. اسناد این حدیث ضعیف است. و معنی هَبَّ: به خود آمد و بیدار شد و از بستر خواب برخاست.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنَنِ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكٌ وَشَيْطَانٌ، فَقَالَ الْمَلَكُ: اخْتِمْ بِخَيْرٍ، فَقَالَ الشَّيْطَانُ: اخْتِمْ بِشَرٍّ، فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ نَامَ بَاتَ الْمَلَكُ يَكْلُوهُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که شخص به بستر خواب می‌رود، فرشته‌ای و شیطانی می‌شتابند تا زودتر به او برسند. فرشته وقتی که به او رسید به او می‌گوید: پایان کارت به خیر کن و شیطان می‌گوید: پایان کارت به شر کن. اگر نام خدای متعال بر زبان جاری کرد و آنگاه خوابید فرشته از او نگهداری می‌نماید».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَضْطَجَعَ لِلنَّوْمِ: (اللَّهُمَّ بِأَسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي فَأَغْفِرْ لِي ذَنْبِي).

رسول الله ﷺ وقتی بر پهلو می خوابید برای خوابیدن می فرمود: «خدایا به نام تو پهلو می خود را بر زمین نهاده‌ام، پس بیا مرز گناهانم را».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: (مَنْ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ طَاهِرًا وَذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُدْرِكَهُ النَّعَاسُ لَمْ يَتَقَلَّبْ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أُعْطَاهُ إِيَّاهُ).

ابو امامه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: «کسی که به بستر خواب پاک و با وضو رفت و یاد خدای عز و جل نمود تا اینکه چرت زدن به او رسید، هر ساعتی از شب که به خود آمد و از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت خواست خدا آن را به او می دهد».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: (اللَّهُمَّ أَمْتِعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي وَانْصُرْنِي عَلَى عَدُوِّي وَأَرِنِي مِنْهُ ثَأْرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَمِنْ الْجُوعِ فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ). قَالَ الْعُلَمَاءُ مَعْنَى اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي: أَيُّ إِثْقَمَا صَحِيحَيْنِ سَلِيمَيْنِ إِلَى أَنْ أَمُوتَ. وَقِيلَ: الْمَرَادُ بَقَاؤُهُمَا وَقُوَّتُهُمَا عِنْدَ الْكِبَرِ وَضَعْفُ الْأَعْضَاءِ وَبَاقِي الْحَوَاسِ، أَيُّ اجْعَلْهُمَا وَارِثِي قُوَّةَ بَاقِي الْأَعْضَاءِ وَالْبَاقِينَ بَعْدَهَا. وَقِيلَ الْمَرَادُ بِالسَّمْعِ: وَعْيُ مَا يُسْمَعُ وَالْعَمَلُ بِهِ، وَبِالْبَصَرِ: الْإِعْتِبَارُ بِمَا يَرَى. وَرُوي: «وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّي» فَرَدَّ الْهَاءُ إِلَى الْإِمْتِنَاعِ وَخَدَهُ.

رسول الله ﷺ وقتی که به بستر خواب می رفت می فرمود: «خدایا خوشی از شنوایی و بینایی ام نصیبم گردان و چشم و گوش مرا به صحت و سلامت نگه دار تا

روزی که از دنیا رهسپار آخرت می‌شوم و در پیری و ضعف اعضا، شنوایی و بینایی‌ام را به قوّت خود باقی گذار و مرا توفیق ده که فرمان تو را به سمع قبول بپذیرم و از آنچه می‌بینم به چشم اعتذار اندرز گیرم و مرا بر دشمنانم نصرت ده و پیروز گردان و به من نشان ده دشمنانم چگونه به قصاص خود می‌رسند. خدایا پناه می‌برم به تو از چیرگی و فشار بدهکاری و از گرسنگی که بدهکاری همبستر بدی است و انسان نمی‌تواند با گرسنگی شدید بسازد». دانشمندان گفته‌اند که معنی: **وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي**: و چشم و گوش مرا میراث برم قرار ده، یعنی هر دو را صحیح و سلامت بدار تا لحظه‌ی مرگ که در تمام زندگی چشم و گوشم سالم باشند. و گفته شده به معنی شنوایی و بینایی مرا حفظ فرما تا در وقت ضعف پیری و ناتوانی اعضا، چشم و گوشم به قوّت خود باقی باشند. و گفته شده: به معنی شنوایی فرمان خدا و اطاعت او و اندرز گرفتن از مشاهدات است. و روایت شده به صیغه‌ی افراد: **وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّي**، یعنی خوشی از چشم و گوش میراث برم بگردان.

وَرَوَيْنَاهُ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَيْضًا قَالَتْ: (مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُنْذَ صُحْبَتِهِ يَنَامُ حَتَّى يَفَارِقَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَعَوَّذَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْكَسَلِ وَالسَّامَةِ وَالْبُخْلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنَ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ).

و از عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت داریم که فرمود: «از روزی که همنشین پیغمبر ﷺ بودم تا روزی که از جهان رحلت فرمود نمی‌خوابید تا اینکه از این چند چیز پناه برد. از ترسویی و سستی و نومیدی و بخل و بدی پیری و بدی منظر اهل و مال - بدی پیری به صورت تندخویی و بداخلاقی و بدی منظر اهل و مال به اینکه زن و فرزند و بستگان دچار بیچارگی و بداخلاقی شوند و مال از بین برود و به آن نیازمند شد - و از عذاب قبر و از شیطان لعین و دام و وسوسه‌ی شرّ او».

وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أَرَادَتْ النَّوْمَ تَقُولُ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رُؤْيَا صَالِحَةً صَادِقَةً غَيْرَ كَاذِبَةٍ، نَافِعَةً غَيْرَ ضَارَّةٍ). وَكَانَتْ إِذَا قَالَتْ هَذَا عَرَفُوا أَنَّهَا غَيْرُ مُتَكَلِّمَةٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تُصْبِحَ أَوْ تَسْتَيْقِظَ مِنَ اللَّيْلِ.

و روایت از عائشه رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا داریم که ایشان موقعی که قصد خوابیدن می نمود می فرمود: «خدایا از تو می خواهم خواب دیدنی که شایسته و راست باشد و سودمند باشد و زیان آور نباشد». و وقتی که این را می گفت می دانستند که سخنی نمی گوید تا اینکه صبح شود یا در آن شب از خواب بیدار شود.

و رَوَى الْإِمَامُ الْحَافِظُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (مَا كُنْتُ أَرَى أَحَدًا يَغْلِقُ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْآيَاتِ الثَّلَاثِ الْآخِرَ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرَطِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ).

امام حافظ ابوبکر بن ابی داود به اسناد خود از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت نمود که علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: «نمی دیدم کسی که عاقل باشد و بخوابد قبل از اینکه سه آیه ی آخر سوره ی البقره را بخواند». آیات: ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶.

و رَوَى أَيْضًا عَنْ عَلِيٍّ: (مَا أَرَى أَحَدًا يَغْلِقُ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ).

و امام حافظ باز هم از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت نمود که ایشان فرموده اند: «نمی بینم کسی را که عقل داشته باشد و داخل در اسلام شده باشد و شب بخوابد قبل از اینکه آیه الکرسی را بخواند». آیه الکرسی: آیه ی ۲۵۵ سوره البقره

و عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: كَانُوا يُعَلِّمُونَهُمْ إِذَا أَوْوَا إِلَى فِرَاشِهِمْ أَنْ يَقْرَأُوا الْمُعَوِّذَتَيْنِ.
و فِي رَوَايَةٍ: كَانُوا يَسْتَحِبُّونَ أَنْ يَقْرَأُوا هَؤُلَاءِ السُّورِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: قُلْ هُوَ اللَّهُ
أَحَدٌ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ.

و از ابراهیم نخعی رحمته الله تعالی روایت است که فرمود: علما به فرزندان و
بستگانشان می‌آموختند که وقتی که به بستر خواب می‌آیند سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ
الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ را بخوانند و سپس بخوابند. و در روایتی دیگر، علما
مستحب می‌دانستند که این سه سوره را در هر شب سه بار بخوانند، قبل از اینکه
بخوابند. سوره‌ی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ
بِرَبِّ النَّاسِ. اسناد آن صحیح است و بر شرط مسلم است. و کلمه‌ی بر شرط مسلم
است، یعنی راوی این اثر کسانی هستند که مسلم در صحیح خود از ایشان روایت
نمود.

و بدان که آثار و احادیث در این باب بسیارند و در آنچه یاد کردیم کفایت است
برای کسی که موفق به عمل به آن شود. و ما زیاده بر آن را حذف کردیم و نیاوردیم
از ترس اینکه طالب این اذکار از بسیاری آن خسته و ملول شود. پس بهتر آن است
که انسان همه‌ی این اذکار را بخواند. اگر خواندن همه‌ی آن‌ها برایش ممکن نبود، به
مهم‌ترین آن‌ها که می‌تواند اکتفا کند.

بدان که کسی که بیدار می‌شود در شب بر دو قسم است: یکی از آن دو کسی است که وقتی که بیدار شد نمی‌خواهد و در اول کتاب اذکار او را یاد کردیم. دوم کسی که بعد از بیدار شدن قصد خوابیدن دارد و این شخص برایش مستحب است که خدا را یاد کند تا اینکه خواب بر او چیره شود و بخوابد و در این خصوص اذکار بسیاری وارد شده است از آن جمله است آنچه در بخش یکم گذشت و از آن جمله است آنچه روایت آن در صحیح بخاری داریم از عبادة بن الصامت رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود: «کسی که بیدار شد از خواب در شب و گفت: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو على كل شيء قدير. الحمد لله و سبحان الله و لا إله إلا الله و الله أكبر و لا حول و لا قوة إلا بالله، بعد از آن گفت: اللهم اغفر لي، خدایا بیامرز مرا یا دعا کرد دعایش به اجابت می‌رسد و اگر وضو گرفت و نماز خواند نمازش قبول می‌شود». امام نووی رحمته الله در اذکار فرموده که در نسخه‌های معتمد به همان صورت است که یاد شد و در بعضی نسخه‌ها بعضی کلمات افتاده است که ما از روی نسخه‌های مورد اعتماد آوردیم. والله اعلم.

و روایت داریم در سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ به اسنادی که نگفت ضعیف است از عایشه رضی الله عنها که رسول الله صلی الله علیه و آله هر وقت در شب بیدار می‌شد می‌فرمود: (لا إله إلا أنت سبحانك اللهم أستغفرک لذنبي، و أسألك رحمتك، اللهم زدني علماً و لا تُزعِ قلبي بعد إذ هديتني و هب لي من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب).

«نیست معبودی به حق مگر تو، خدایا تسبیح و تنزیه تو می‌گویم، از تو طلب آمرزش می‌کنم برای گناهانم و از تو طلب رحمت می‌کنم. خدایا بیفزای علم مرا و منحرف مساز دل مرا بعد از اینکه مرا به راه راست رساندی و از نزد خودت رحمتی به من ببخش یقیناً تو بسیار بخشاینده هستی».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ - تَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - إِذَا تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ).

رسول الله ﷺ وقتی که بیدار می شد در شب می فرمود: (لا اله الا الله الواحد القهار رب السموات و ما بينهما العزيز الغفار)؛ «نیست معبودی به حق مگر الله که یکتای قهار است، پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است، آن خدای پر عزت آمرزگار».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: (إِذَا رَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ نَفْسَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ وَدَعَاهُ تَقَبَّلَ مِنْهُ).

ابو هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید که شنید از رسول الله ﷺ که می فرمود: «وقتی که خدای عز و جل روح بنده ی مسلمان را برگردانید و او را از خواب بیدار کرد اگر بنده در آن موقع تسبیح خدا بگذارد و بگوید: سبحان الله و استغفار نماید و بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ و دعا نماید. خدای می پذیرد از او تسبیح و استغفارش و به اجابت می رساند دعای او را».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ وَابْنِ السُّنِّي بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَنْ فِرَاشِهِ مِنَ اللَّيْلِ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ فَلْيَتَنَفَّضْهُ بِصَنِفَةِ إِزَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ، فَإِذَا اضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ وَضَعْتُ جَنِيَّ وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أُمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَإِنْ رَدَدْتَهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ)

قال الترمذی حدیث حسن. قال أهل اللغة: صَنِفَةُ الإِزَارِ: جانبُه الذی لا هَذَبَ فِيهِ و قیل جانبُه: أیُّ جانب کان.

رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما از بستر خوابش برخاست و بعد به سوی آن برگشت به سمت حاشیه‌ی لنگ خود، فراش را سه بار تکان دهد تا اگر حشره‌ی موزی بر فراش او رفته باشد معلوم شود و نتواند او را بگذرد، برای اینکه از وقتی که از بستر خواب برخاسته تا وقتی که برگشته، نمی‌داند چه چیز بر فراش او رفته است. و موقعی که به پهلو خوابید بر بستر خود بگوید: (بِأَسْمَكِ اللَّهُمَّ وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَ إِنْ رَدَدْتَهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحِينَ)؛ «به نام تو ای خدا، پهلویم را بر بستر خواب نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم، اگر روح مرا نزد خودت نگه‌داشتی او را مورد رحمت قرار ده و اگر روح مرا به جسمم بازگرداندی او را نگه‌دار چنانکه بندگان شایسته‌ات را نگه می‌داری». صَنِفَةُ الْإِزَارِ: حاشیه‌ی ازار یا جامه یا لنگ یا.

وَرَوَيْنَا فِي مُوطَّأِ الْإِمَامِ مَالِكٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي بَابِ الدُّعَاءِ آخِرِ كِتَابِ الصَّلَاةِ عَنْ مَالِكٍ أَنَّهُ بَلَغَهُ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ كَانَ يَقُومُ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَيَقُولُ: (نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَارَتِ النُّجُومُ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ) قلت معنى غَارَتْ: غَرَبَتْ.

و روایت داریم در کتاب موطای امام مالک رَحِمَهُ اللَّهُ در باب دعا، آخر کتاب الصلوة از مالک که گفت: به من رسیده از ابی الدرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که در دل شب از خواب برمی‌خاست و می‌گفت: «نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَارَتِ النُّجُومُ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ: چشم‌ها به خواب رفتند و ستاره‌ها غروب کردند و تو همیشه زنده و همیشه عالم را تدبیر می‌کنی».

(باب ما يقول إذا قلق في فراشه فلم يَنم)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رضي الله عنه قَالَ: شَكَّوتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَرْقًا أَصَابَنِي فَقَالَ: (قُلْ اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ وَهَدَّاتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَهْدِيْ لَيْلِيْ وَأَنْمِ عَيْنِي) فَقُلْتُهَا فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ.

زید بن ثابت رضي الله عنه گفت که شکایت کردم نزد رسول الله صلی الله علیه و آله از بی‌خوابی که به من دست داده بود فرمود: «بگو: «غَارَتِ النُّجُومُ»؛ ستاره‌ها غروب نمودند و هَدَّاتِ الْعُيُونُ: و چشم‌ها آرام گرفتند و أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ: و تو ای خدا همیشه زنده هستی و همیشه تدبیرکننده‌ی عالم هستی، هیچ‌گاه چرت زدن و به خواب رفتن دست نمی‌دهد تو را، یا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَهْدِيْ لَيْلِيْ وَأَنْمِ عَيْنِي: ای همیشه زنده، همیشه تدبیرکننده‌ی عالم شب مرا آرام بگردان و به خواب ببر چشمم را». فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ: خدای عزوجل از من دور کرد بی‌خوابی و ناآرامی را که به آن دچار بودم.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبَّانٍ بَفَتْحِ الْحَاءِ وَبِالْبَاءِ الْمُوَحَّدَةِ أَنَّ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ رضي الله عنه أَصَابَهُ أَرْقٌ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ عِنْدَ مَنَامِهِ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ. هَذَا حَدِيثٌ مُرْسَلٌ. مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى تَابِعِيٌّ. قَالَ أَهْلُ الْلُغَةِ: الْأَرْقُ هُوَ السَّهَرُ.

خالد بن الولید رضي الله عنه دچار بی‌خوابی شد و شکایت آن را نزد رسول الله صلی الله علیه و آله برد.

رسول الله ﷺ فرمود: بگو: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَ مِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَنْ يُحْضِرُونِ)؛ «پناه می‌برم به کلمات تامّات خدا، به قرآن، از خشم خدا و از شر بندگان خدا و از شر وسوسه‌های شیطان‌ها و از اینکه همیشه شیطان‌ها بر سر او حاضر باشند و به وسوسه‌های خود او را بیازارند». این حدیث مرسل است برای اینکه صحابی از سند افتاده است و محمد بن یحیی که تابعی است از او روایت شده. و أَرْقُ، یعنی بی‌خوابی.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ وَ ضَعَّفَهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: شَكَاهُ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَنَامُ اللَّيْلَ مِنَ الْأَرْقِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: (إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظْلَلْتُ وَ رَبَّ الْأَرْضَيْنِ وَ مَا أَقْلَلْتُ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَلْتُ، كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ أَنْ يَبْغِيَ عَلَيَّ، عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ).

خالد بن الولید رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از بی‌خوابی که به او دست داده بود شکایتش را به رسول الله ﷺ برد. رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که به بستر خواب رفتی بگو: خدایا ای پروردگار آسمان‌ها و آنچه آسمان‌ها بر آن سایه افکنده‌اند و ای پروردگار زمین و آنچه بر آن جای گرفت و ای پروردگار شیطان‌ها و آنچه از دست آن‌ها به گمراهی افتاد، پناه من باش از شر خلق همه‌شان با هم از اینکه زیاده‌روی کند بر من یکی از آنان و از اینکه تعدی کند بر من یکی از آنان. عزّت‌مند شد کسی که پناه به تو آورد و شکوهمند شد ثنای بر تو و نیست معبودی به حق غیر از تو».

(باب ما يقول إذا كان يفرع في منامه)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ وَغَيْرِهَا عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَرَعِ كَلِمَاتٍ: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ). قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَعَلَّقَهُ عَلَيْهِ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ برای نجات‌شان از ترس در خواب چند کلمه به ایشان می‌آموخت که آن را بگویند: «پناه می‌برم به کلمات خدا آن کلماتی که تمام و کامل است و نقصی در آن نیست. از ترس از خدا و از شرّ بندگان خدا. و از شرّ وسوسه‌ی شیطان‌ها و آنکه حاضر شوند». عبدالله بن عمرو بن العاص هر کدام از پسرانش که عقل داشت و بزرگ بود، این کلمات را به او می‌آموخت تا آن را بخواند و هر کدام از پسرانش که کوچک بود و عقلش نمی‌رسید، این کلمات را می‌نوشت و بر او آویزان می‌کرد.

وَفِي رَوَايَةٍ ابْنِ السُّنِيِّ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَا أَنَّهُ يَفْرَعُ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ) فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ.

مردی به خدمت رسول الله ﷺ آمد و از بی‌خوابی شکایت نمود. رسول الله ﷺ به او فرمود: «هر وقت که به بستر خوابت رفتی بگو: پناه می‌برم به کلمات کامل خدا، از خشم خدا، و از شرّ بندگان خدا، و از وسوسه‌های شیطان‌ها و از اینکه بر سر او حاضر شوند». آن مرد این کلمات را گفت و از شرّ بی‌خوابی و ناراحتی نجات یافت.

(باب ما يقول إذا رأى في منامه ما يحب أو يكره منه)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد.

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: (إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا، فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيْهَا وَ لِيُحَدِّثْ بِهَا) وَ فِي رَوَايَةٍ: (فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا وَ لَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ فَإِنَّمَا لَا يَضُرُّهُ).

«وقتی که یکی از شما خوابی دید که آن را دوست می‌دارد در حقیقت آن خوابی است که از خدای متعال است و ستایش خدا بر آن بگوید و آن را بازگو کند. و در روایتی دیگر آن را به کسی نگوید مگر به کسی که او را دوست می‌دارد. و اگر خوابی غیر از آن دید که ناپسند می‌دانست، پس آن از شیطان است و به خدا از شر آن پناه ببرد و آن را برای کسی نگوید، که آنگاه به او زیانی نمی‌رساند».

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَبْصُقْ مِنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا وَ لْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا وَ لْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که از آن خوشش نمی‌آید سه بار آب دهن را از دست چپ بیندازد و سه بار بگوید: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و از پهلویی که بر آن خوابیده بر پهلوی دیگر بخوابد».

وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَرْفُوعاً: (إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلَا يُحَدِّثْ لَهَا أَحَدًا وَلِيَتَّقُمْ فَلْيُصَلِّ).

رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را خوشایند نمی‌داند آن را به کسی نگوید و بلند شود و دو رکعت نماز بخواند».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ وَقَالَ فِيهِ: (إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَّقِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ سَيِّئَاتِ الْأَخْلَامِ، فَإِنَّهَا لَا تَكُونُ شَيْئًا).

رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست نمی‌داشت سه بار آب دهن را از دست چپ در دستمال بیندازد و بگوید: خدایا به تو پناه می‌برم از کار شیطان و خواب‌های بد، که آنگاه چیزی نمی‌باشد و ضرری نمی‌رساند».

(بَابُ مَا يَقُولُ إِذَا قُصَّتْ عَلَيْهِ رُؤْيَا)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: لِمَنْ قَالَ لَهُ رَأَيْتُ رُؤْيَا، قَالَ: (خَيْرًا رَأَيْتَ وَ خَيْرًا يَكُونُ) وَ فِي رِوَايَةٍ: (خَيْرًا تَلَقَّاهُ، وَ شَرًّا تَوَقَّاهُ، خَيْرًا لَنَا وَ شَرًّا، عَلَى أَعْدَائِنَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

رسول الله ﷺ به کسی که به ایشان گفت خوابی دیده‌ام فرمود: «خیر دیده‌ای و خیر می‌شود. و در روایتی دیگر فرمود: «به خیر می‌رسی و از شر نگه داشته می‌شوی، خیر است برای ما و شر است بر دشمنان، و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است».

(باب الحثّ علی الدعا والاستغفار فی النصف الثانی من کلّ لیلة)

بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبُ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرُ لَهُ). وَفِي رَوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: يَنْزِلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ حِينَ يَمْضِي ثُلُثُ اللَّيْلِ الْأَوَّلِ فَيَقُولُ: أَنَا أَلَمَلِكُ أَنَا أَلَمَلِكُ، مَنْ ذَا الَّذِي يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبُ لَهُ، مَنْ ذَا الَّذِي يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرُ لَهُ، فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُضِيَءَ الْفَجْرُ). وَفِي رَوَايَةٍ: (إِذَا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أَوْ ثُلَاثَاهُ).

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «پروردگارمان هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم آخر شب باقی است و آنگاه می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او بدهم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم». و در روایت مسلم: خداوند پاک و بلند مرتبه هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم اول شب گذشته است و آنگاه می‌فرماید: من فرمانروایم، من فرمانروایم، چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او عطا کنم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم، همواره چنین است تا اینکه فجر روشن شود». و در روایتی دیگر، هر گاه یک دوم شب گذشت یا دو سوم آن. در سنن ابو داود و ترمذی از عمرو بن عبسه رضي الله عنه روایت داریم که او از